# CENTRE FOR RESEARCH COLLECTIONS
# EDINBURGH UNIVERSITY LIBRARY
# GEORGE SQUARE
# EDINBURGH
# EH8 9LJ
# TEL: +44 (0)131 650 8379
# FAX: +44 (0)131 650 2922

## BOOK-SCANNED 2022


**SHELF MARK:** Or.Ms.227
**TITLE:** Muharaba-u Musalaha-i Muhammad- Shah ba Nadir-Shah.
**AUTHOR:** Unknown

N.B. Scanned as spreads.
The binding obscures some text in the guttering.
THIS IS THE BEST COPY AVAILABLE.


**The University of Edinburgh Library**

This PDF is supplied under a Creative Commons CCBY License:
you may share and adapt for any purpose as long as attribution is given to the University of Edinburgh. Further information is available at
http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/

**Please address all enquiries to Centre for Research Collections.**
The Library wishes to be informed of work based on this Pdf copy, and would welcome a copy of any publication that makes use of it.

The University of Edinburgh is a charitable body, registered in Scotland, with registration number SC005336

بسم الله الرحمن الرحیم

## بیان کیفیت محاربه و مصالحه محمد شاه بادشاه با نادرشاه ایران

واقعه در سنه ۱۱۵۲ یکهزار و یکصد و پنجاه و دو هجری و در سنه بیست و یک جلوس محمد شاهی پیش ازین جنگ برهان الملک سعادت خان بهادر ناظم صوبه اوده و امیر الامرا صمصام الدوله خان دوران بهادر میر بخشی بتاریخ پانزدهم ذی القعده سنه بیست و یک جلوس در قصبه کرنال بانادرشاه واقع شد و شهید شدن امیر الامرا و برادر خورد ایشان مظفر خان بهادر و یادگار خان کشمیری و مولوی امان الله کشمیری شهداد خان افغان و علی اسد خان و علی حامد خان و عاقل بیک خان و دیگر امیران و خوانین شجاعت آئین که بتفصیل اسامی ایشان عنقریب رستم تلاشان پرداختن موجب طول دیده باصل مطلب می پردازد جمعیت بسیار قریب هشت و نه هزار سوار ازین طرف و قریب هفت هزار سوار معه حاجی بیک خان سپه سالار و دیگر هفت هشت سردار مهور اقتدار ازان طرف و گرفتار شدن برهان الملک بهادر رستم آهنگ معه نثار محمد خان بهادر شیر جنگ از زخمهای جانکاه بیدرنگ بدست نادرشاه ظفر لوا و امتتاع و استراق آصفجاه و اعتماد الدوله و دیگر سران مغلان کماه ار پرخاش و دغا علی الرغم برهان الملک و امیر الامرا و طرح صلح انداختن نادرشاه بوساطت آصفجاه به تطمیع و تحریص انجاح مهماتش حسب دلخواه و جواب دادن آصفجاه حضرت کیتی کشور کشا را از مقابله و محاربه نادرشاه بعدم تاب و طاقت نبرد و میجا پوشیدن آصفجاه حریص خلعت میر بخشیگری در نوزدهم ذی قعده بعد فوت امیر الامرا و بردن آصفجاه حضرت جهاندار بیهمتا را برای تمهید مراسم آشتی در ستم ماه با پنج نفر خواص و خدم ازان جمله یکی پسر خودش و یک پسر اعتماد الدوله و سه نفر خوجه سرا بدایره کاه نادرشاه باغوای اینکه شاه کیتی کشا از ملک و مال

Nadir Shaw

Nadir Shaw

Nadir Shaw

از حضرت خدیو جهان هیچ نمیخواهد و تشریف بردن حضرت قدرقدرت
بدایره کاهش برای افزایش نقش و نام و از دیاد آبرو نزد سلاطین
اقالیم سبعه صاحب احتشام تمنا دارد و مراجعت شریف فرمودن
خدیو کیهان از دایره کاه نادرشاه بهرام جمعیت بخیریت و عافیت
و مفقود شدن غلات و علف و کاه از لشکر والا اقبال آرا بمثابه که
پنج و شش روپیه را یک آثار از جنس گندم و برنج و روغن و روپیه را
دو آثار کاه در هیچ جا بهم نمیرسد و باز رفتن آصفجاه حریص زشت شیم
بموجب طلب نادرشاه صاحب اورنگ و دهیم بمنزلش در بیست و چهارم
و مقید کردیدن آن پرلئیم نزد نادرشاه و نوشتن عرضی بعذر که حضرت
باز نزد نادرشاه نامور تشریف ارزانی داشته بعد تلقی بمدبکر حضرت
مرخص دار الخلافه و شاه عازم ایران دیار شوند و باز قدم رنجه فرمودن
دارای بلند اقبال بمهبط نادرشاه کیهان پناه در بیست و ششم شهر حال
و نشستن چوکی نادرشاه باطراف دایره خدیو کیهان اعتلا و تعین شدن
افواج شاه همایون فر در همان روز بمعسکر خدیو هندوستان پناه برای

ضبط خزانه

Hubuckhee in Persia the same as Khalee or Chubdars
they are employed in executing orders & the utmost respect
paid to them

ضبط خزانه و جواهر خانه و توپخانه و دیکر کارخانجات بادشاهی و بر آصفجاه
و اعتماد الدوله و نشستن چوکی تفحیان دیو سیرت باطراف دولتخانه
جهاندار قدرقدرت که نواب ملک الزمانیه باخدمه محل اهل عصمت و
بادشاهزاده اسفندیار سیرت جای تواند رفت و رسیدن ناظر
روز افزون خان در بیست و هفتم ذی قعده سنه ۲۱ معه تفحیان نادرشاه برای
بردن نواب ملک الزمانیه و بادشاه زاده سعادت آثار و دیکر
خدمه محل سرا و بردن تفحیان شدید اعتماد الدوله بهادر را تهمتا نزد نادرشاه
و هزیمت افتادن در لشکر نصرت پیکر جهاندار فرخنده اختر و آصفجاه
و اعتماد الدوله بهادر و قرار نمودن جمیع امرا و خوانین نامور و سپاه و برق
انداز ان مشهور از مرد و سواد قصبه کرنال بصوب دار الخلافه و مقتول
و مهبوت کشتن بسیاری از سپاه و امرا و خوانین و مرسوم اهل حرفه
و هنکام فرار بطرق و شوارع از دست زمینداران راهزن و تمرد پیشه
و مرخص نمودن نادرشاه برهان الملک بهادر بسالت کرا بعطای
خلعت و کالت مطلق هندوستان باطهماس خان و غیره پنج نفر

سران سپاه و ده هزار سوار مغل و زمخواه برای حراست دارالخلافه
و محافظت اموال بادشاهی که در قلعه روئین نمای دارالخلافه هست
در بست و هفتم این ماه ورسیدن برهان الملک در بست و نهم
بدارالخلافه وکردانیدن منادی امان در کوچه و بازار مصر عالیشان
و مامور ساختن ارباب شرع را بخواندن خطبه بنام و القاب همایون
نادرشاه بروز جمعه و کشادن برهان الملک دروازه قلعه را در سلخ ماه و داخل
کردن قلعه دار نادرشاه با مغلان کلاه برای محافظت کارخانجات
بادشاهی و اموال و امتعه و اخراج نمودن قلعه دار دارای هندوستان پناه را
ازان حصن حصین کردون نما و تیار نمودن باغ شالامار برای نزول نادرشاه
کیوان مقدار و وصول موکب نادرشاه گیتی کشا در هفتم ذی حجه بباغ
شالامار و فرستادن خدیو قدر اقتدار را با شان و شکوه بادشاهانه معه
نسوان محل سرا را در قلعه همایون بتاریخ هشتم ذی حجه و رسیدن نادرشاه
در نهم ماه با افواج بی انتها بدارالخلافه و نزول اجلال آن نادر کیهان آرا
در دیوان خاص و آئینه محل باغ حیات بخش واقع اندرون قلعه دلکشا

و مسکوک

This report took its rise from Naders having gone to Shah Jehanabad returning by another way, the Inhabitants may be had been seized

و مسکوک گردانیدن نادرشاه روپیه و اشرفی را بهمان وزن سابق بنام
نامی خود باین بیت هست سلطان بر سلاطین جهان شاه شاهان نادر صاحبقران
در نهم ماه بدارالضرب دارالخلافه وفات یافتن برهان الملک سابدر
در شب عید الضحی از امراض متضاده که از مدت متمادی دران مبتلا بود
بحکامه ارشادن ارزال و سفهای دارالخلافه در شب یازدهم مافوای اینکه
نادرشاه از مرض حیضه راه فنا پیمود و کشتن قریب هزار مغل نوکر نادرشاه
رابین بهتان بیجا دران شب پر بلا و برآمدن نادرشاه در هنگام ساشر
صبح یازدهم ذی حجه بغم و غصه دوشینه در مدرسه روشن الدوله مرحوم
واقع متصل چوبتره کوتوالی و صدور برلیغ قضا امضا بقتل عام سکان
و وطان دارالخلافه بتکفیر اعمال شب گذشته و کشتن مغلان خونخوار
مردم آماقیب هشتاد و نود هزار کس را از نسا و رجال و کهول و اطفال
و صغار و کبار ساکنه شهر پناه دهلی یوما نصف النهار تاراج و غارت
نمودن امتعه نقد و جنس لکها و کرورها و سوختن و برکندن دکاکین و حویلی ها
ساهوکاران و اغنیا و تجار و تلفی نمودن بحل کشور وکیل ناظم بنگالا در عین

همنگامه کیر و دار قتل بانادرشاه و گذرانیدن سه هزار اشرفی و هفت بخیر
فیل بشرط امان جان و مال و مامون و مصیون بودن و قبل مذکور از ضغطه
قتل عام نهیب و بیغما و امان دادن نادرشاه اهالی بقیه السیف دارالخلافه را
برطبق الحاح اعتمادالدوله بهادر بعد سفک دمای انبهه مردم شرفا
و سُفها و کشتن نادرشاه نثار خان خویش اعتمادالدوله را و رای رایان
ناظر دیوان خاص و شهسوار خان مغل بهمت اینکه در شب یازدهم
باتفاق عوام اینها همنگامه آرای قتل مغلان شده بودند و فرستادن نادرشاه
نثار محمد خان بهادر را بعطای خلعت فاخره در چهاردهم این ماه به بلده لکهنو
نزد ابوالمنصور خان بهادر صفدرجنگ برای آوردن از اموال برهان الملک
مغفرت آیات بوعدهٔ چهل روز و ضبط نمودن نادرشاه از قلعه ارک
دارالخلافه نقد سه کرور و پنجاه لک روپیه از خزانه خاص و غیره
و جواهر پانزده کرور روپیه از جواهر خانه اول و دوم و مرصع آلات
و جنس طلا و نقره یکنیم کرور روپیه از طلا آلات و نقره آلات و غیره
سه کرور روپیه را تخت طاؤسی و تخت روان کنجن سیمر و غیره و یازده

کرور



The house where the Queens live

کرور روپیه را جنس از قورخانه و فراشخانه و آبدارخانه و خوشبوئیخانه و باورچیخانه
سلکیه سیخ خانه و کرکراخانه و زینخانه و دیگر کارخانجات و پانصد زنجیر فیل
از فیل خانه و دو هزار و سیصد اسپ از اصطبل و نقود و اجناس بسیار
از امرا و وزرای نامدار و اموال برهان الملک و امیرالامرا و مظفرخان و
دیگر امرای مغفرت اقتدار غرض ضبط نمودن نادرشاه کیتی ستان و قریب
پانزده کرور روپیه نقد و هفتاد کرور روپیه را جنس بهمه جهت و مرخص
نمودن نادرشاه مریدخان رامع رقایم قضاجریان خود و فرامین والا
آئین دارای قدر توامان در غره محرم الحرام نزد شجاع الدوله بهادر و
علاوالدوله بهادر ناظم و دیوان صوبهٔ بنگالا وغیره و صلحنامه کرفتن
نادرشاه بمهر مبارک خدیو ستوده شیم در چهارم محرم سنه ۱۱۵۲ محتوی بر اینکه
مملکت شرقی آب سند یعنی دریای اتک داخل حدود فرمان روای
بادشاه هندوستان و ولایت غربی آب داخل قلمرو شهنشاه ایران
و بدررفتن صوبه کابل و صوبه تهته بتمامها و پاره از صوبهٔ ملتان از خیطهٔ
مملکت فرمان روای هندوستان برطبق این صلحنامه و وصلت

دادن نادرشاه میرزا نصرالله پسر خود را با صبیه یزدان بخش ابن ایزدبخش
ابن مرادبخش که حضرت ظل سبحانی و نواب ملکه زمانی صبیه مذکوره را
بدختر خود ها گرفته بودند و دیگر وقایع و سوانح دربار بتفصیل و تشریح نوشته
مصحوب قاصد اجره دار در ششم محرم بجناب نواب اقبال مآب فرستاده
خدای تعالی ببدرقهٔ فضل و کرم خود برساند از انجا که در عرض ایام فتور سلطنت
دوبار قاصدان اجوره دار معه لفایف اخبار دربار پیشتر فرستاده بودم
از دست مفسدان و متمردان طرق و شوارع لفایف مرسلهٔ اخبار را
بغارت و یغما داده عریان و گریان معاودت نمودند امیدنیست که قاصد
مذکور صحیح و سلامت رسیده باشد لهذا بر سبیل اجمال کیفیت ستوده دربار
مکرر به ترقیم آورده خدا تعالی بخیریت برساند و اینهمه مشقت بنده را ضایع
نگرداند اول بتاریخ هفتم شهر محرم سنه ۱۱۵۲ طهماسب خان سپه سالار نادرشاه
کشورکشا و جگل کشور وکیل ناظم صوبهٔ بنگاله را نزد خود طلبیده در مقدمهٔ
ایصال زر تشخیص ذمه سکنهٔ دارالخلافه جوبهاره بچرمت کرد هشتم شهر مذکور
شاه اقبال پناه باعتماد الدوله فرمودند که شما زر تشخیص ذمهٔ اهالی





دارالخلافه را که همگی دوکرور و دوازده لک روپیه است از خانهٔ خود داخل
سرکار ما کنید که ما از بنجا نهضت کرا شویم مشارالیه در نیمعنی بعرض رسانید
که نزد فدوی عقیدت شعار زر کوکه از عهده این کار توانیم برآمد بعده شاه
بیهمتا راجه مجلس رام دیوان اعتماد الدوله را بحضور خود طلبیده فرمودند
که موجودات زر نقود و اجناس خانگی اعتماد الدوله و محمد امین خان متوفی
پدرش که امتعه کورهای خانه سید عبدالله خان و حسین علیخان بضبط
خود آورده متصرف شده و موجودات خانه خود و خانه اهل کاران اعتماد الدوله
نوشته بیارد او بجواب معروض داشت که اعتماد الدوله انچه مداخل جاگیر
داشت مخارجش ازان افزون بود کاغذ جمع و خرج پیش بنده موجود است
و بنده از کیفیت و کمیت اموال محمد امین خان پدرش که دیوانش شخص دیگر
بود خبر ندارم و موجودات خانگی بنده هم بدستور اعتماد الدوله است
شاه گیتی پناه از تقریر سراسر تزویرش برآشفته لبرهنگان درگاه بجک صاد
کوششش ایما فرمود چنانکه سرهنگان همانوقت یک کوش راحه دار کوش را
برچیدند ما زبرلیغ شاه بی انناز بنقاد نبوشت که زود اموال نام آورده ها

نوشته بیارد والاشکم ترا پاره خواهم فرمود ظاهرا کارکنان درگاه شاه
بعرض رسانیدند که تا محرم خان وفراستخان خواجه سرایان محرم اسرار
اعتمادالدوله بسیاست و سزا نخواهند رسید کمیت اموال خانگی
اعتمادالدوله مفصل بوضوح نخواهد پیوست بتاریخ مذکور سنه ۱۳ اسامی
دختر مظفرخان و هفت از نسوان محلسرائش که حسینه و جمیله بودند
شاه ایران داخل محل سرای خود نموده نهم محرم بذمه اغنیای دارالخلافه
چه امرای نامدار و چه از خوانین کامکار چه از متصدیان و تجار سوای
آصفجاه و اعتمادالدوله و لطف الله خان صادق عالی مقدار دو کرور
و دوازده لک روپیه مشخص شده از انجمله برای خوشحالچند پیشکار میر
بخشیگری دو لک و هفتاد و پنجهزار روپیه و شیخ سعدالله دیوان تن
دو لک و پنجاه هزار روپیه و ناکرمل دیوان خالصه سه لک و پنجاه هزار
روپیه و سیتارام خزانچی خزانه عامره و مستاجر خالصه سه لک روپیه
نونده پیشکار دیوان تن مع دو پسر و جگل کشور وکیل ناظم صوبه بنگاله که
این آتش افروخته اوست دو لک و پنجاه هزار روپیه و سبحان رای وکیل

علی محمد خان



علی دوست خان وافاغنه دکهن یک لک و پنجاه هزار روپیه و رای
نونده پیشکار مع محرران خالصه دو لک و هفتاد و پنجهزار روپیه بهین و تیره
بردیگران متصدیان و سوداگران واغره واجله دارالخلافه حتی که برقاضی
القضاة و دیگر اهل افتا و ارباب شرع وجه ضیافت شاه کشور کشا مقرر
شده آصفجاه و اعتمادالدوله و سربلند خان و عظیم الله خان و مرتضی خان
برای تحصیل این زر بنزاولی نقچیان عفریت سیرت مامور شده اند
از جناب شاه کیهان پناه بنام آوردها تاکیده رفته که درمیان بکهفته
کمال ده روز این زر را بعرض تحصیل آورده داخل خزانه نمایند که ما
برادر عزیز محمد شاه را ببر برآرای و کیتی کشای ممالک هندوستان
بتجدید ممتاز گردانیده عازم ایران شویم والا شما ها ورضعفه بلاوعنا
خواهید افتاد دوازدهم شهر حال شاه ایران پناه پسر کلان مظفرخان متوفی
را خلعت پارچه داده مورد نوازش گردانید بتاریخ مرقومه مافوق برامرای
نامدار و خوانین کامکار جمیع اغنیا و سوداگران مالدار برای اتصال زر
ضیافت شاه [illegible] مدار آصفجاه و عظیم الله خان تنبه کار بنزاولی نقچیان

خونخوار شدت و سیاست بسیار دارند کانی که طاقت و استطاعت
ادای این زر ندارند خود ها را بزهر و خنجر میکشند چنانچه الهوردی خان
قراول بیکی آب سموم خورده مرد و شیرافکن خان حرف بنده علیخان
بضرب خنجر جان سپرد و عزت خان خویش شیرافکن مرحوم خود را بچهار جا مجروح
کردانید در حالت نزع است چون مصدر تشخیص اینهمه زر بر ذمهٔ اهل دول و
اغنیا مامور بحل کشور وکیل شجاع بهادر است لهذا وکیل شر بر مورد آه و وبال
دامن و نفرین تمامی مردم صغیر و کبیر است از آستان شاه کیتی ستان بر ذمهٔ محمد خان
بنکش هفت لک روپیه بقولی نه لک روپیه وجه ضیافتانه مقرر شد از انجمله
سه لک روپیه داخل خزانه کرده برای تتمه وعده بکهفته است
چهار دهم شهر حال نادرشاه صاحب اقبال نه راس اسب عراقی و عربی
و هفتاد و پنج خوان اقمشه زربفتی و سقرلاطی و لایتی برای خدیو بهمتا بدون
اسد برج فرستادند و شاه قدرپیش به سعدالدین خان میرآتش تاکید فرمودند
که چوکی برقندازان بدستور سابق باطراف محلسرا و کارخانجات برادر عزیز
محمد شاه بنشانید در سرکار شاه قدر اقتدار از نوکران عمده طهماسب خان سپه





سالار است که دو هزار روپیه در ماه نقدی می یابد و سه هزار سوار
مغلان تهور شعار در رسالهٔ او نوکر سرکار اند و دیگر امرا و وزرا بنسبت
خان مشارالیه در منصب کم و مواجب اند چنانچه عبدالباقیخان وزیر اعظم
شاه بمواجب یکهزار و هفتصد روپیه در ماه و معتبر الممالک وزیر دوم
بمواجب یکهزار و پانصد روپیه در ماه امتیاز دارند و دیگر خوانین علی
اختلاف مراتبهم از مواجب هزار روپیه تا دو صد روپیه نوکر شاه
کیهان پناه اند نامی این امرا و وزرا پیش شاه اقبال پناه در هنگام گفتگوی
و مصلحت یکمالی ملکی و مالی از عدم محال چون و چرا مانند نفوس معطله اند
و در وقت استشاره و استجازه انچه از زبان شاه بهمتا برآید خواه
نیک باشد خواه بد بر طبق آن بعمل می آرند دران یارای تخلفی و انحراف
ندارند مواجب سرداران یوزباشی یعنی سالار صد سوار هفتاد روپیه
تا پنجاه روپیه و سران ده باشی از چهل روپیه تا سی و پنج روپیه بتفاوت
مراتب هر واحد و مواجب سپاه سایر از سی روپیه تا بیست روپیه مقرر است
اما اینهمه امرا و وزرا بمقدار رتبهٔ خود نابرخ بلا و کوشت بقدر برخ و روغن

وهیمه از سرکار شاه می یابند حتی که دانه وکاه اسپان هم وسپاه سایر اسب سوار
وآرد خوراک یکنیم سیر فی نفر وروغن پاو سیر وجو خوراک اسب چهار سیر
وکاه ده سیر فی اسب از سرکار می یابند هر کاه اسب یکی ازین سپاه
سقط میشود عوض آن اسب دیگر از سرکار مرحمت میگردد وامتعه غارت
سواران سایر را تا پست روپیه معاف اگر ازین زیاده باشد داخل سرکار
کنند اگر کسی در پیکار Battle تقاوت کند وحقیقت خیانت او بعرض پیشگاه شاه
کیتی پناه برسد هانوقت او را بسزای این گناه بردار یا بخناق Strangle میکشد Khunaachee
بعد فتح ممالک هندوستان شاه کیهان ستان فتح نامها بیلادوم مصار
ممالک ایران وتوران وغیره روان نمود بارای شکر این نصرت نمایان
که هرگز توقع این دولت بی پایان نداشت محصول سه ساله ممالک ایران
بر رعایای باجدار وخراج گذار معاف کرد ومواجب یک ساله برابر
ووزرا وسپاه رزم خواه نگاشت خود هم یکی شصت هزار سوار جرار همراه
دارد در عنایت نمودن پانزدهم لطف علی خان توپچی باشی نادر شاه
کشور کشا باخزاین زیاده از حد وحساب واحصا وجمعیت دوازده هزار





سوار مغلان ضرامت آرا برطبق پرلیغ شاه از دارالخلافه برآمده باطراف
باغ شالیمار خیمه استقامت زد شانزدهم برطبق مثال شاه اقبال ارتسام
خیام فلک احتشام وفرشهای قالین از فراشخانه سرکار خدیو ایام واقع
قلعه ارک برآورده در ریگستان پیش لاهوری دروازه اتاله کردند برطبق
حکم مطاع شاه کیتی کشا جمعیت هزار سوار مغلان اهل کلاه که در حویلی های
خان دوران وسعد الله خان وریگستان اطراف قلعه استقرار واستغابه
بکوچ روانه باغ شالیمار شدند نقچیان بر دروازهای حصار شهر پناه
متعین گشتند که احتیاط کنند که مغلان زنان هندوستان از دارالخلافت
پیرون نتوانند برد برای ضیافتانه شاه کیتی پناه دو کرور ودوازده لک
روپیه که بتشخیص جکل کشور وکیل ناظم صوبه بنگالا برای دارالخلافه
مقرر شده بود برای ایصال آن بدسکنه این شهر فردوس آسا قیامت
صغری است جمیع اعلی وادنی از عدم استطاعت این زر کرفتار آفت
عظمی اند پیشتر قتل عام بود الحال قتل خاص است در هر خانه وکاشانه
صدای نوحه وواویلاست انوشیروان رای نام پیشکار نقدی قبایل را

جوهر کرده خود را بضرب خنجر کشت خالق یار خان بانگشت پیش قبضه نامهٔ
عمر خود در نوشت محمد ماه برادرزاده شیخ سعدالله دیوان تن آب سوم
خورده مرد و کامیاب خان خسرپوره اعتمادالدوله بزهر هلاهل جان سپرد
قاضی القضاة از شلاق نسقچیان آبروی حرمت ریخت عزت خان داروغهٔ
عدالت از کشمکش سزاولان رشتهٔ عزت گسیخت همبرین منوال اکثر
منصبداران و متصدیان و ساهوکاران صاحب مال خود را بهرحال بدرجه
ارتحال کشیده و میکشند ازین شهر آسایش و خورمی بدر رفت از خانه آدمی
معروض جناب شاه قضا انتساب گشت که نثار محمد خان برادرزاده ریاض الملک
مغفرت نشان که برای آوردن خزانه آنمرحوم آمرزش برده در بلدهٔ لکهنو نزد
ابوالمنصور خان رفته در یازدهم این ماه روانه درگاه شاه گشته بتاریخ
هفتدهم اینماه بعرض شاه گیتی پناه و حضرت خدیو پهمتا رسید که
شجاع الدوله بهادر ناظم صوبه بنگاله که حاکم عدالت گستر و عزیت پرور
آن امادهٔ فردوس آسا بود از دست ساقی اجل شربت کل نفس ذائقة الموت
چشیده رخت هستی خود را بسرای عقبی کشید و علاء الدوله بهادر خلف





الصدق آن شجاع مغفرت پذیر که در کامرانی و دادستانی از پدر نامور
بهتر است و در قبض و بسط مهام و رتق و فتق مرام انام آن الگا
پیشتر از پیشتر اهتمام دارد حضرت ظل الله باصغای این ماجرا پارهٔ متاسف
گشتند و از التزام علاء الدوله بهادر بکامروای و نظامت آرای
مسرت اندوز شدند ضیافتهٔ شاه گیتی آرا که دوکرور و دوازده لک
روپیه که برای مالی دار الخلافه مقرر گشت جمل کشور وکیل ناظم صوبه بنگاله که
بمقتضای بدطینتی صاحب تشخیص این زر بیجا کردیده عالمی را در ضغطهٔ بلا
انداخته الحال بر متصدیان مهمات روا امثال رای خوشحال چند پیشکار میر
بخشیگری و شیخ سعدالله دیوان تن و رای نونده پیشکار تن و رای
پیشکار ثانی خالصه و سبحان رای وکیل امرا و منصبداران دکن و رای
نندرام وکیل اعتمادالدوله و دیگر متصدیان و مهمات روایان دیوانی
و کارکنان بیوتاتی و خانسامانی و اغنیا و تجار و اجله و اعزه مالدار
و امرا و خوانین عالی مقدار و خواجه سرایان مدار کار خدیو اقتدار تشخیص
سابق که پیش ازین رقمزده کلک راقم اخبار گشته دو چند و سه چند اضافه

کرده جمیع اعالی وادانی این شهر مینو نهر را لکد کوب مغلان اتبر و لطمه خورد
ضرب شلاق این کرده بد کهر کردانید بی آبرو و بچرمت کرده الحال
جمیع اعالی وادانی درگاه حضرت خدیو کیهان و خواجه سرایان و مقربان
والابارگاه تشنه خون وکیل بچاشند مذاغلب که بعد کوچ شاه جلل کشور در بلای
جانکاه خواهد افتاد و هدف تیر انتقام جمیع اعلی وادنی خواهد گشت اللهم
عافنا من کل بلاء الدنیا بحرمت سید الابرار و آله الاطهار فوجدار خان
فوجدار کردار الخلافت که شاه گیتی گشا هفت لک روپیه در وجه پیشکش
از و میطلبید و اولک روپیه داخل سرکار شاه کرده بلطایف الحیل از حضور
بدر رفته در قصبه فرخ نگر که مستقر ایالت اوست و از دار الخلافه پست
و پنج کروه فاصله دارد رسیده بر حصار آن قصبه نامدار توپخانه آتش بار و فوج
بسیار فراهم آورده کوس انحراف و استکبار میزند شاه هرچند رقایم
بوساطت اعتماد الدوله و مصحوب لشکریان حرامت کرا فرستاده او را
بتطمیع و ترهیب نزد خود طلبید مفید نیفتاد عرضه داشت متضمن معاد
بر ضعف و پیری و انکسار و عدم تاب و طاقت تردد بدرگاه شاه



کیهان فرستاد و همچنین نهانه رای و بدسنگه جات زمیندار جتواره با فوج
جاتان تهور نشان نانا له ندرار و رای بجنور خان نشسته بتهانه نادر شاه
تانا لاب شمنداس ست بیشتر مغلان اهل کلاه شاه نامدار را محال مرور و کدار
نیست نوزدهم محرم آتش جانسوز در فراشخانهٔ دارای اقبال شیم واقع
قلعه ارک دار الخلافه افتاد متعه و اجناس یک کرور روپیه کسری بالا زان
کارخانه بیهمتا بسوخت چه جای خیمه و خرگاه و سرا پرده های آسمان فرسا
ریسمانی و طنابی در کارخانه سالم نگذاشت شاه عدالت آرا انتظار
وصول زر ضیافتانه ذمه اهالی دار الخلافه و خزانه برهان الملک مغفرت
میکشید همین که زر ضیافتانه و خزانه مذکور بحصول وصول بابدلی مکث
و توقف لوای نهضت خواهد افراشت گیتی خدیو بیهمتا را بدستور
سابق بسریر آرائی ممالک هندوستان مستقل خواهد گذاشت از امرای
نامدار و وزرای عالی مقدار خدیو قضا اقتدار که بالفعل متکفل امر خطیر
سلطنت و کشورکشای و جهان آرای تواند شد کسی نیست و نماند الا
آصفجاه بهادر و اعتماد الدوله خود مدهوش و بیخبر است اما در ذات

آصفجاه بخل وخست وحرص وطمع مولد دلت بمرتبه ایست که سوای ذات
ناستوده آیات وعنصر بسرخود نمیخواهد که از والاسرکار خدیو عالم پرور
دیگری متمتع وبهره ور شود برای ملک رانی وکشورستانی این عبی است
صعب تر دوم از مقربان درگاه خدیو قضا اقتدار وخواجه سرایان مدارکار
درین ایام عجز وانکسار بجناب شهنشاه اقبال مدار که التزام واحتضار داشتند
وبهیچوجه خود را از شهنشاه آفاق محور انفکاک واسراق نشدند دوامیر و
۳ خواجه سرا بغدویت وجان فشانی بی عدیل ونظیر بودند از امرای
ذی شان امیرخان واسحق خان واز خواجه سرایان ناظر روزافزون خان
وجاوید خان الحال اینها را بدرگاه حضرت ظل الله بار وفادار بسیار است
ودرجه رازدانی پیشمار اغلب که بعد جلوس حضرت قدرقدرت براورنگ
سلطنت رتبه اقتدار اینها حسب دلخواه خواهد افزود والویه مداح اینها
فلک فرسا خواهد بود درین ایام بلاخیز وفتنه انگیز شهردارالخلافت
از انواع بلیات واقسام آفات آنمودجی از رستخیز گشته چه اول از قتل
عام وغارت ویغمای لشکر شاه اقبال غلام وآتش زدگی مغلان بهرام





انتقام تمامی خاص وعام از خواطی ایام ترسان ولرزان وروبه دارالباس
وهراس مغلان ضیغم اقتدار بگوشه وبیغوله مختفی وپنهان واز خان ومان
ویران وپریشان دوم از شیوع قحط غله که روپیه را برنج کنده دوآثار و
باریک یکنیم آثار وکندسه ۲ آثار کاهی ۳ ونیم آثار وجو وجوار ومونگ
وماش چهار چهار ونیم آثار وروغن ۳ پاو وکاهی نیم آثار نرخ عرض
بازارست سیوم از مرض تب ووبا هرصباح ورواح حوق حوق ازهرکوچه
وبرزن این مصر پهمتا رهگرای وادی فنا اند چهارم از تشخیص وتحصیل
زرضیافتانه شاه کیهان کشا که همکی دوکرور ودوازده لک روپیه
براهالی این شهر مقرر شده صورت قتل خاص درآیینه تمنای اهل خبارونما
کشته چه سفها واقعه طلب وسفلگان زشت حسب دارالخلافه محله ها
ومعموریهای این بلده فردوس آسا باضافه اصل تشخیص باجاره گرفته
بجای تشخیص ده هزار روپیه شئ چهل هزار روپیه بمعرض تحصیل می آرند
اصل جمع داخل خزانه شاه میکند تتمه تصرف ستاجران وجفاکاران
بیحیاست ازین قسم معامله نقرس میرود که هرگاه پنج شش کرور روپیه

particular inhabitants of
e. converted Lanes
buildings & frequently
raised the Price of
action to the Taxable
e amount

از سکان و وطان این بلده فاخره بعرض تحصیل خواهد آمد وزر رضیا فتانه
شاه کشور داخل خزانه خواهد کرد یا از ضغطه اینهمه بلا و طمه پنجه جور این عنا
وانساد راه سکنه این مصر پهمتا را نه یارای جلاست و جای پناه
اینهمه وبال و نکال خورد و بزرگ این شهر بر بر حکل کشور وکیل مد سکال است
آخر بمضمون منطوقه من اعان ظالما سلطه الله تعالی علیه در مال آه و وبال
این همه خلایق عاید حال او خواهد شد دانشمند خان از اعاظم فضلای
اهل ایران که در طبابت و حکمت فلاطون منش و ارسطو شان بود پیش
ازین بمنصب سه هزاری بتجویز برهان الملک بهادر مرحوم امتیاز داشت
در ینولا پیش نادر شاه کیهان آرا از طرف کیتی خدیو پهمتا بسفارت و
رسالت مامور بود الحال بتجویز شاه کشا منصب هفت هزاری ذات
هفت هزار سوار و بخدمت خانسامانی خدیو قضا اقتدار افتخار یافته
بعطای جاگیر علی حامد خان و یادگار خان متوقع گشته تاریخ بیست و چهارم
شهر حال محمد غازی الدینخان پسر آصفجاه و میر نظام الدینخان پسر اعتماد الدوله
برطبق یرلیغ شاه جهان کشا برای آوردن فوجدار خان فوجدار کرد

دار الخلافه



دار الخلافه که راه تمرد و طغیان پیموده بمستقر ابهت خود آباد مرخاش و
وغاست رفته اند بابدید چه صورت رو دهد در بیست و ششم شهر مذکور
محمد غازی الدین خان و میر نظام الدین خان فوجدار خان فوجدار کرد
دار الخلافه را بدارا و مواسا از مستقر ایالتش آورده بغیض ملازمت
شاه کیتی پناه مستعد گردانیدند خان مشار الیه یک لک و پنجاه هزار
روپیه برسم پیشکش بنظر شاه قدر منش گذرانید شاه بعطای خلعت
سه پارچه مفاخرت اندوز گردانیده برای گردآوری و ایصال ذخیره غلات
و آبادی قصبات و قریات اطراف و اکناف مرخص نمود تاریخ مزبور موافق
عرض آصفجاه بهادر بیحیی خان میر منشی یرلیغ شاه کشور کشا رسید که فرامین
والا آئین خدیو مادین و داد بنام نایبان نظامت و فوجداری صوبجات
و اماکن ممالک دکهن متضمن اطاعت و انقیاد و نظم و نسق صوبجات و قبض
و بسط مهمات محالات که از تحریک اهل طغیان و ارباب عناد صورت
هنگامه و فساد رو ننماید بر نگارد چنانکه برطبق یرلیغ قضا سامان شاه کیتی
ستان بانزده قطعه فرمان والاشان بنام نایبان صوبداری و فوجداری

آنجا زینت و بها یافته حواله آصف جاه شد بتاریخ بیست و هفتم این ماه
راجه مجلس رام دیوان اعتماد الدوله چهار لک روپیه ضیافتانه شاه پهنا
ادا کرده از شدت تقاضای پنج لک روپیه دیگر خود را بخنجر کشت و
رای خوشحالچند پسرش راه گریز سر کرد و سیتارام مستاجر اماکن خالصه شریفه
و خزانچی اعتماد الدوله شش لک روپیه و ترکمان ساهوکار مستاجر
دیگر اماکن سه لک روپیه و برای نونده پسر رای سهوکچند متوفی پیشکار خالصه
دو لک روپیه و محی الدین علیخان دیوان بیوتات یکنیم لک روپیه و دیگر متصدیان
و محرران تن و خالصه و امرا و خوانین عالیشان بقدر طاقت و توان
زر ضیافتانه و پیشکش شاه اقبال آرا ادا کرده بعلت تقاضای صعب
زر دیگر از مصر دار الخلافه بپای فرار راه جلا پیمودند پسر رای نونده پیشکار
تن و ناکرمل دیوان خالصه و بجل کشور وکیل ناظم بنگالا و سبحان رای وکیل
خوانین دکهن و شیخ سعد الله دیوان تن و دیگر امرا و خوانین صاحب دولت
و اهل خدمت درگاه خدیو زمین و زمن با وجود ادای زر حصه ضیافتانه
شاه صف شکن برای زر تتمه از ضغطه سیاست و شلاق در نزع و جان

کندن اند



کندن اند اهالی دار الخلافه از اعلی و ادنی و شرفه و سفها هزارها مردم از نسا
و رجال با هنگ فرار باطراف و اکناف میروند شاید تا حال ازین مصر
بیهتا دو ثلث مردم بدر رفته ثلثی که باقی اند بنها آماده گریز اند نوبت
بامروز و فردا است بتاریخ بیست و نهم شهر حال برای ضیافتانه و پیشکش
شاه اقبال که ذمه تجار صاحب مال کتهره چاندنی چوک مقرر شده بود
و آنها در ادای آن تهاون و تقاعد داشتند حکم قضا امضای شاه
کیهان کشا صدور یافت که بسنجیان شدید رفته زر پیشکش از سوداگران
کتهره مذکور بعرض تحصیل آورند هر کس که ازان جماعه در ابصال این زر
مصدر اهمال و امهال شود امتعه خانه او را ضبط کنند چنانکه بامضا حکم
قضا نهمت اموال تجارت اکثر سوداگران صاحب ثروت بضبط درآمده

بیان امتعه تاراج بربع و خمس قیمت میفروشند بتاریخ ۱۱۵۲ محرم الحرام سنه

متصدیان شاه اقبال علام برطبق پرلیغ شاه قضا توام شاه قدر اهتمام مهر
شاه که بر دخل دروازه کوتهای کارخانجات سرکار حضرت ظل الله کرده
بودند برداشته و مهر خدیو پهنا و دانشمند خان خانسامان جدید حضرت جهان خدیو

وکشورکشا بر قفلهای ابواب کوتهه های مذکوره نهاد ند الحمد لله این دلیل
قولیست برآورنگ آرای وکشورکشای حضرت جهاندار بیهمتا تاریخ
مذکور رقایم قضا شیم یعنی مناشر عالم منقاد شاه بهرام همنام راجه
الدهراج ومهاراجه اهی سنکه ومهارایا جکت سنکه ودیگر راجه های
تهور آهنگ ممالک هندوستان وبنام راجه ساهو وباجی راو بدخو
پسر سنبها راجه ودیگر نامداران ممالک دکهن صدور یافته مضامین اینکه
Ancestors
فیمابین ما وبرادر عزیز محمد شاه بمقتضای اخلاص واتحاد قدیم نیاکان این هردو
خاندان مجد وعلا وارتباط وانضباط رابطهٔ قرابت جدید صورت خلت
وولا وموالات ومواخات درآینهٔ صفوت وصفا رونما کشته که گویا
ماهردو یکروح ودو قالبیم الحال برادرم مشارالیه را مدارای وسیر آرای
این مملکت فلک فسحت مستقل گردانیده لوای جهان کشای خود را به تسخیر
کشور دیگر فلک فر سا میکردانیم باید که شما ها بدستور عهود سلاطین اسلاف
سلسلهٔ علیهٔ تیموریه درمسلک انقیاد واطاعت ومنهج اذعان وعقیدت
Like a Child
برادرم مومی الیه ثبات وقرار ورزیده گوی سان برای سرانجام کار بادشاهی





A Chuck
بصولجان حکم ایشان دوان باشند خدانخواسته اگر کیفیت تخلف و
طغیان شما بمسامع فیض مجامع ما خواهد رسید به تعین جنود نصرت اقتدار
دمار از نهاد بدمعاشان شقاوت شعار خواهیم برآورد دوحرف آبادی را
بمضمون منطوقه ومعنا عالیها سافلها بر کلک سم سمند غاریان زرنگار
از صفحهٔ این کشور خواهیم سترد تاریخ دوم شهر صفر سنه ۱۱۵۲ نادرشاه
اقبال پرور چند رقم جواهر بیش بها مثل سرپیچ مرصع ومالای مروارید
کلان ودستبند وبازوبند مرصع برای کیتی خدیو فرستاد استدعا نمود
که کوچ موکب کشورکشای ما در هفتم این ماه مقرر یافته است که فردا
این همه جواهر را بکبوت خاص خود بکار برده با جمیع امرا ووزرای عالی مقدار
بشکوه وشان بادشاهانه بدستور استمرار نزد ما تشریف آرند که بالمشافهه
از درر عزر نصایح وپند ومواعظ پراندر زا رجمند صدف گوش حق نیوش
شما را بار دار وبهره پیوند گردانیده بعد تقدیم مراسم ضیافت بوداع و
رخصت پردازیم چنانکه حضرت خدیو جهان صباح آنروز که سیوم
شهر حال است بعزیدونی وشکوه سلیمانی برتخت روان سوار شده اسپان

باد رفتار و اورنگهای سایه دار بر سم حبیب پیش بخت مرکوب مبارک
گذاشته چتر و سایه بان آفتاب کردار و امرای و وزرای نامدار
در رکاب فیروزی انتساب خود کرفته براه دروازهٔ اسد برج از
مشکوی میمنت التزام برآمده براه دروازه های روبروی دیوان عام
و دیوان خاص نزد شهنشاه اقبال اختصاص که در دیوان خاص سریر
آرای اجلاس بود شرف ورود ارزانی داشتند شهنشاه صاحبجاه
تا زینهٔ دیوان خاص باستقبال آمده کیهان خدیو صاحب تاج و سریر را
بکمال تجمل و توقیر براورنگ سلطنت مصر نشانده تا مدت دو کهری
این هر دو اورنگ آرای شاهی و سروری در خلوت انجمن آرای
اسباط مصلحت جهانبانی و جهان پروری شدند سپس آن آصفجاه
و اعتمادالدوله و دیگر امرا و خوانین دولتخواه را باریاب بزم استشاره و
استجازه کردانیده مدت دو کهری دیگر بموعظت و مناصحت آنها بسخنان
خشونت آمیز برای مطاوعت و متابعت کیتی خدیو قدر نهضت روتق افزای
انجمن مشورت بود بعد اتمام آن پیش امرای عظام چند اطعمه و اشربهٔ اقسام

بتناول



بتناول آنها داد و خلاع فاخره چهار چهار پارچه و یک قبضه شمشیر با مرای نامور
و سه سه پارچه بخوانین و کاربردازان عقیدت سریر مرحمت کرده رخصت
انصراف داده و حضرت ظل الله را یک رقم جواهر و جیغه مرصع با پرخانه
پرعقاب و یک قبضه شمشیر و جمدهر تکلیف کرده اجازت معاودت
داده کفت که اطعمه و اغذیه ضیافت برای شما میفرستیم بحرمکده خود رفته
نوش جان باید فرمود چنانکه خدیو اقبال اندوز در هنگام برآمدن یکپاس روز
معه ارکان دولت مراجعت فرموده داخل عشرت سرای واقع اسد برج
شدند بتاریخ ششم شهر مذکور بر طبق برلیغ شاه تمامی لشکر فیروزی اثر و
مردم اعراق وارد دوی شاه کیهان کشا از مصر دار الخلافه و اطراف و
اقطاع قلعهٔ کردون نما سوای سپاه چوکی و مقربان درکاه مهضت کرا شده
در حوالی باغ شاله مارارم آسا فرود آمدند بتاریخ مذکور پیشخانه و زر و
جواهر و دیگر کارخانجات که از سرکار کیتی خدیو بضبط شاه کیوان جاه آمده
بود روانهٔ باغ شاله مارمینو سیر نمود در همین تاریخ میرزا نصرالله پسر
نادرشاه برای رخصت بجناب حضرت ظل الله بر دیودهی اسد برج آمده بود

حضرت ظل الله میرزا مشار الیه را یک جیغه مرصع داده بکمال مدارا
و مواسا وداع فرمودند درهمین تاریخ برطبق استدعای شاه
اقبال آرا فرمان صوبه داری صوبهٔ ملتان و فرمان جاگیر یمین آباد وغیره
چهار محال از انتقال سیف الدوله عبد الصمد خان مرحوم بنام اعزالدوله
زکریا خان بصمیمه صوبه داری صوبه پنجاب از دارالانشا تیار کرده
بمهر مبارک حضرت زینت وبها داده بحضور شاه جهان کشا
حواله وکیل اعزالدوله کردند